

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

" کلیه حقوق، اعم از تکثیر، چاپ، نسخه برداری، اقتباس و ... این پایان نامه، متعلق به دانشگاه بیرجند است و هر گونه سوء استفاده از آن، پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است."



دانشگاه بیرجند

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان

شهر آشوب در ادب فارسی

(تا عصر صفوی)

استاد راهنما

دکتر بتول مهدوی

استاد مشاور

دکتر محمد بهنام‌فر

نگارش

مصطفی شمس‌الدینی

زمستان ۱۳۹۰

پیش و بیش از همه، پیشکش دست های پینه بسته ی
«مادرم» که هم لطافت مادری داشت هم زحمت پدری .
به پسر م «ابوالفضل» به امید این که عصاره ی همه ی
آرزوهای انسانی ام باشد : ادب، وفا، مردانگی، پاکی، یک
رنگی، شهامت و شجاعت.
به برادرانم، به ویژه مولا و سرورم «عیسی»، تکیه گاه همه ی
روزهای پریشان و بی سامان زندگی ام.
به سنگ صبورم «همسر» مهربانم...
و به همه ی کسانی که از سویدای دل، دوستشان داشته
و دارم.

چکیده:

شهرآشوب یکی از انواع شعر فارسی به شمار می‌آید که موضوع آن مدح یا ذم شهر، اهالی شهر، درباریان و یا توصیف پیشه‌وران و حرف و صنایع مربوط به آن‌هاست. این نوع شعر که سرودن آن در میان شاعران عرب، ترک و اردو زبان نیز رایج بوده است خاستگاه ایرانی دارد و به سه دسته‌ی: صنفی، شهری و درباری تقسیم می‌شود که بسامد شهرآشوب‌های صنفی بیش از دو نوع دیگر است و هر کدام از این انواع مشتمل بر فواید زیبایی‌شناختی، جامعه‌شناختی و تاریخی است که از نوع شهری آن اطلاعات جغرافیایی مفیدی نیز به دست می‌آید. در شعر فارسی برای سرودن شهرآشوب، قالب خاصی در نظر گرفته نشده و آن‌چه تاکنون به دست آمده در قالب : قطعه، رباعی، قصیده، مثنوی و غزل بوده است و در میان انواع شهرآشوب‌های موجود تا عصر صفوی بسامد شهرآشوب‌های صنفی بیش از دو دسته‌ی دیگر است. در شهرآشوب صنفی شاعر، بین شگرد کاری صاحبان حرف و عالم عاشقی پیوندی زیبا برقرار می‌کند و از این طریق با صاحب حرفه نرد عشق می‌بازد. نمایندگان این نوع شهرآشوب: مسعود سعد و مهستی هستند که قطعات و رباعیات زیبایی درباره‌ی مشاغل گذشته سروده‌اند و از آرایه‌هایی چون مراعات‌النظیر و ایهام تناسب به وفور استفاده کرده‌اند. فرخی، فتوحی و خاقانی نمایندگان شهرآشوب‌های شهری به شمار می‌آیند که اصلی‌ترین شگرد کار آن‌ها همراه نمودن هجو یک شهر با مدح شهر دیگری و یا مدح یک شهر با هجو و ذم شهری دیگر است. این نوع شهرآشوب‌ها برانگیخته شدن و یا تحریک احساسات مثبت یا منفی ساکنان شهرها را در پی داشته‌اند. تا عصر صفوی سنایی نماینده-ی شهرآشوب سرایان درباری است که در *کارنامه‌ی بلخ* ضمن توصیف گروه‌های مختلف دربار، وضع اجتماعی درباریان، ویژگی‌ها، خصوصیات روحی و روانی آن‌ها و دیدگاه آن‌ها نسبت به پادشاه را بیان می‌کند. روش این تحقیق توصیفی و به شیوه‌ی تحلیل محتوا انجام شده است.

واژگان کلیدی: شهرآشوب، شاعران شهرآشوب‌سرا، تحلیل جامعه‌شناختی، تحلیل زیباشناختی.

فهرست

پیش‌گفتار.....	۸
۱. کلیات.....	۱۷
۱ - ۱. تعریف شهرآشوب.....	۱۷
۲ - ۱. انواع شهرآشوب‌ها.....	۲۰
۳ - ۱. قالب‌های شهرآشوب.....	۲۲
۴ - ۱. فواید شهرآشوب‌ها.....	۲۳
۵ - ۱. شهرآشوب‌ها در زبان‌های دیگر.....	۲۷
۶ - ۱. خاستگاه شهرآشوب.....	۲۸
۲. بررسی زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی شهرآشوب‌های صنفی در اشعار	
مسعود سعد و مهستی.....	۳۱
۱ - ۲. مقدمه.....	۳۱
۲ - ۲. مختصری از زندگی مسعود سعد.....	۳۲
۳ - ۲. شهرآشوب در شعر مسعود سعد.....	۳۴
۴ - ۲. تحلیل کلی شهرآشوب‌های مسعود سعد.....	۵۸
۵ - ۲. مختصری از زندگی مهستی.....	۵۹
۶ - ۲. شهرآشوب در شعر مهستی.....	۶۱
۷ - ۲. تحلیل شهرآشوب‌های مهستی و مقایسه‌ی آن‌ها با شهرآشوب‌های مسعود سعد.....	۷۳
پی‌نوشت‌ها.....	۷۵
۳. بررسی زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی شهرآشوب‌های شهری در اشعار	
فرّخی، فتوحی و خاقانی.....	۷۶
۱ - ۳. مقدمه.....	۷۶
۲ - ۳. مختصری از زندگی فرّخی.....	۷۷

۳ - ۳	فرخی و شهر آشوب	۷۸
۳ - ۴	مختصری از زندگی فتوحی مروزی	۷۹
۳ - ۵	فتوحی، شهر آشوب	۸۰
۳ - ۶	مختصری از زندگی خاقانی	۸۲
۳ - ۷	خاقانی و شهر آشوب	۸۵
۳ - ۸	جامعه‌شناسی عصر خاقانی با تکیه بر شهر آشوب‌های او	۹۲
۴. بررسی زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی شهر آشوب‌های درباری در اشعار		
سنایی		
۴ - ۱	مقدمه	۹۵
۴ - ۲	مختصری از زندگی سنایی	۹۵
۴ - ۳	سنایی و شهر آشوب	۹۹
۴ - ۴	جامعه‌شناسی دوران سنایی با تکیه بر شهر آشوب‌های او	۱۰۵
پی‌نوشت‌ها		
۱۰۷		
نتیجه‌گیری		
۱۰۸		
نمایه‌ها		
۱۱۱		
فهرست تفصیلی مطالب		
۱۲۰		
فهرست منابع		
۱۲۳		

پیش‌گفتار:

یکی از سهل‌انگاری‌هایی که اصحاب علم و ادب نسبت به شعر فارسی داشته‌اند، این است که شعر فارسی را معمولاً از نظر قالب تقسیم‌بندی کرده‌اند و اهمیت قالب‌های مهم شعر چون: مثنوی، قصیده، غزل، رباعی و ... سبب شده که معیار تقسیم انواع شعر، پیکر ظاهری آن باشد و هیچ تقسیم‌بندی مدونی درباره‌ی محتوای شعر صورت نگیرد. به همین دلیل است که می‌توان ادعا کرد که: تقریباً همه کس نام قصیده، غزل، رباعی، دوبیتی، مخمس، مسمط، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و مثنوی را شنیده‌اند و بسیاری کسانی که اگر اختلاف دقیق بین این انواع گوناگون شعر فارسی را نمی‌دانند باری آن‌ها را از یکدیگر تمیز می‌دهند (محجوب، ۱۳۷۴: ۱۶۳). البته اگر شناسند و اختلاف را تمیز ندهند، چنان‌چه طالب شناسایی باشند به سهولت می‌توانند مشخصات هر یک از این قالب‌ها را از کتاب‌های مربوط و یا کتب مرجع، پیدا کنند. یکی از انواع شعر فارسی که هنوز ناشناخته مانده و جا دارد در مورد آن تحقیقات گسترده‌ای صورت بگیرد «شهر آشوب» است. این نوع شعر با نام‌های دیگری که در مجموع همه به یک معنی هستند چون: شهرانگیز، دهر آشوب، جهان آشوب، عالم آشوب، عالم کوب و فلک آشوب آمده است.

مسئله‌ی تحقیق:

شهر آشوب که یک ترکیب وصفی است، در لغت به معنای آشوبنده‌ی شهر است و به زیبارویانی اطلاق می‌شده که با حسن و جمال بی‌نظیر خود، مایه‌ی فتنه در شهر می‌شده و به اصطلاح شهر را به آشوب می‌کشانده‌اند:

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را
(حافظ، ۱۳۶۲: ۵)

شهر آشوب در اصطلاح ادبی یکی از انواع شعر است که در مدح یا ذم شهر، اهالی شهر، درباریان و یا در توصیف پیشه‌وران یک شهر سروده شده باشد. بدین ترتیب «شهر آشوب قاعدتاً باید ناظر بر معنی شعر باشد نه قالب آن» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۷۶).

شهر آشوب‌ها را می‌توان به سه گروه تقسیم‌بندی نمود: ۱- صنفی: اشعاری که درباره‌ی صاحبان مشاغل و توصیف ابزار و آلات مربوط به حرفه‌ی آن‌ها سروده شده است مانند: شهر آشوب‌های مسعود سعد سلمان، شهر آشوب‌های مهستی و پاره‌ای از شهر آشوب‌های کارنامه‌ی بلخ سنایی. ۲- درباری: اشعاری که در وصف، مدح یا ذم پادشاه و دیگر درباریان سروده شده است مانند: شهر آشوب‌های سنایی در کارنامه‌ی بلخ. ۳- شهری: اشعاری که در مدح یا ذم شهر یا اهالی شهر سروده شود و موجب تحریک احساسات و عواطف اهالی آن شهر گردد (سیاه‌مزی، ۱۳۶۸: ۳۱) مانند هجویه‌ی فتوحی درباره‌ی شهر بلخ و انتشار آن به نام انوری، این هجویه از مواردی است که این نوع شعر، مصداق لغوی خویش را - یعنی شهر آشوب - پیدا کرده است؛ زیرا انتشار این هجویه به نام انوری، خشم مردم بلخ را برانگیخته و شاعر را که از قضا در آن ایام در بلخ بوده دستگیر نمودند پس از آزارهای گوناگون، تصمیم بر کشتن او داشتند که نهایتاً شفاعت بزرگان شهر بلخ او را از مهلکه نجات داده است.

از قدیم‌الایام این رسم در میان شاعران فارسی و عربی متداول بوده است که قطعاتی می‌سروده و در آن یک شهر یا ساکنان آن را نکوهش یا ستایش می‌کرده‌اند، نمونه‌های جالب توجهی از این - گونه قطعه‌ها در کتاب‌های ادب و بلاغت ثبت شده و بسیاری از آن‌ها را که البته به زبان عربی است، می‌توان در دو کتاب *بتیمة الدهر* ثعالبی و *تمة الیتیمة* هم از او یافت [...] غرض این است که ستایش و نکوهش شهرها در بین شاعران رواجی داشته است (محبوب، ۱۳۴۵: ۶۸۰ - ۶۷۸). به نظر می‌آید که شاعران شهر آشوب‌های شهری، با اشعار مدحی خود، عواطف مثبت اهالی شهر و با اشعار ذمی خود، عواطف منفی آن‌ها را برمی‌انگیخته‌اند همچنین، شاعران شهر آشوب‌های صنفی توانسته‌اند ضمن توصیف عاشقانه‌ی حرف و صاحبان حرف که بخش اعظم یک شهر هستند، عواطف و احساسات آن‌ها را برانگیزند و به این اشعار هم نام شهر آشوب بدهند.

شهر آشوب‌ها چه از نوع صنفی باشند چه از نوع شهری یا درباری، مشتمل بر فواید بسیاری از حیث زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی هستند و این ظرفیت غنی را دارند که در کنار مباحث بلاغی و زیبایی‌شناختی، اطلاعات وسیعی را درباره‌ی مشاغل جوامع گذشته و صنایع و کارافزارهای آنان

ارائه دهند؛ چنان‌که از عهد صفویه بدین سو می‌توانیم از خلال سفرنامه‌های اروپاییان و تواریخ و شهرآشوب‌های بسیاری که در آن ایام نگاشته شده به اطلاعات وسیعی در خصوص صنایع و کارافزارهای آن دوره دست یابیم؛ ولی از پیشه‌ها و مشاغل پیش از عصر صفوی، به علت فقدان منابع مورد اعتماد، اطلاعات ما بسیار اندک است. در این‌جاست که شهرآشوب‌های موجود می‌تواند راه‌گشای برخی از معضلات باشد (محرابی، ۱۳۸۲: ۳۶). مثلاً برخی از قطعات شهرآشوب - ها در وصف یک پیشه یا صنعت است که در همه‌ی زمان‌ها شغل به حساب می‌آمده مثل: قصابی و درودگری؛ برخی قطعات در توصیف یک سرگرمی است که می‌توانسته یک شغل هم محسوب شود نظیر: کبوتر بازی، چوگان بازی و کشتی‌گیری که در مقطعی از دوران گذشته شغل به حساب می‌آمده نه در همه‌ی زمان‌ها؛ برخی مشاغل نیز تغییر یافته و به شکل قدیمی آن، وجود ندارد مثل: هندسی، تیغ‌زن و طبال؛ برخی مشاغل منسوخ شده مثل: تیرگری و سقایی و برخی مشاغل با دو عنوان آمده مثل: عطار-عنبرفروش، تیغ‌زن-لشگری.

علاوه بر آن چه گذشت از آن‌جا که در شهرآشوب‌های مشاغل، از حرفه‌ها و صنایع و ابزارها در دوره‌های متفاوت یاد شده است، این نوع شعرها به «متابه‌ی فرهنگ‌نامه‌هایی هستند که لغات و اصطلاحات فنی و اسامی کارافزارها و صنایع و فنون دوره‌های خاص را در خود ثبت کرده‌اند» (همان: ۳۶). هم‌چنین به کمک شهرآشوب‌های شهری و درباری، می‌توان خصایص و ویژگی‌های روحی و روانی جوامع را در برهه‌ای از زمان شناخت و از موقعیت جغرافیایی شهرها آگاه شد و اطلاعات تاریخی مفیدی کسب کرد. نکته‌ی دیگری که ذکر آن در مورد شهرآشوب‌ها - خاصه صنفی - لازم می‌نماید این است که در این نوع شهرآشوب، شاعر با علم به این‌که تعریف خشک و بی‌روح از حرف، موجب ملال خاطر خواننده می‌شود، صاحب حرفه را در جایگاه بتی زیبارو، معشوق خود قرار می‌دهد و بین شگرد کاری او و عالم عاشقی پیوندی زیبا می‌آفریند و از طریق این پیوند، با صاحب حرفه نرد عشق می‌بازد؛ به عبارتی شاعر با دیدی زیبانگر به توصیف بازار و حرف آن می‌پردازد، نگاهی هنری که فقط زیبایی‌ها را می‌بیند نه زشتی‌ها را؛ مثلاً نگاهی که انوری، شاعر معاصر مهستی، به بازار دارد کاملاً با واقعیت‌هایی که خود شاعر لمس کرده، انطباق دارد. انوری فارغ از نگاه شاعرانه ضمن قطعه‌ای در توصیف بازار به حقیقتی اشاره می‌کند:

قولی نبود راست‌تر از قول شهادت زان در همه بازار یکی راست نگوید

(انوری، ۱۳۷۲: ۴۶۶)

امروزه هم میان مردم رایج است که در معاملات بازار، کار، بدون دروغ پیش نمی‌رود و این واقعیتی است که شاعر لمس کرده و بیان نموده است؛ ولی نگاه مهستی به بازار، نگاهی است که فقط شاهد زیبایی‌ها است:

شهری زن و مرد در رخت می‌نگرند وز سوز غم عشق تو جان در خطرند

هر جامه که سالی پدرت بفروشد از دست تو عاشقان به روزی بخرند

(مهستی، ۱۳۷۹: ۱۰۳)

معشوقه لطیف و چست و بازاری به عاشق همه با ناله و بازاری به

گفتا که دلت بیرده‌ام، باز بیر گفتم که تو برده‌ای تو بازاری به

(همان: ۱۴۷)

به همین دلیل است که برخی از تذکره‌نویسان و تاریخ‌نویسان، شهر آشوب‌سرایان را که از صنعت‌گران و محترفه با کلماتی عاشقانه یاد کرده‌اند، لابلالی و بی‌قید معرفی کرده‌اند؛ مثلاً مؤلف کتاب *تاریخ اجتماعی ایران*، شهر آشوب‌های مسعود سعد را بدآموز دانسته: «به طور کلی در آثار اکثریت قریب به اتفاق شعرای ایران بعد از اسلام به این قبیل بدآموزی‌ها برمی‌خوریم. فی‌المثل مسعود سعد نیز اشعار بسیاری در وصف دلبر رقااص، ترسایچه و ... سروده است» (راوندی، ۱۳۶۳: ۳۸۸). یا این‌که مهستی را زنی روسپی دانسته‌اند که هر شبی در آغوش کسی خفته و با او نرد عشق باخته است حال آن‌که شاعری که شهر آشوب صنفی می‌سروده است «در عین حال که قصد تفنن و هنرنمایی داشته متوجه این نکته بوده که فی‌المثل تعریف خشک و بی‌روح از هنر یک آهنگر چندان لطفی ندارد و چنگی به دل نمی‌زند، لذا هر صنعت‌گر و پیشه‌وری را یک محبوب فتنه‌گر و شهر آشوب وانمود ساخته» (گل چین معانی، ۱۳۴۶: ۵).

شناخت انواع شهرآشوب و بررسی شهرآشوب‌های صنفی، شهری و درباری موجود شعر فارسی تا دوران صفویه محدوده‌ی کار این پژوهش است و در دوره‌ی موردنظر شهرآشوب‌های: فرخی، فتوحی، مسعود سعد، مهستی، خاقانی و سنایی از حیث زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است.

پرسش‌های تحقیق:

در این پژوهش نگارنده کوشیده است به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

۱- خاستگاه شهرآشوب کجاست؟

۲- تحلیل و بررسی شهرآشوب از چه جنبه‌هایی حایز اهمیت است؟

۳- در میان انواع شهرآشوب سروده شده تا دوران صفویه، بسامد کدام یک بیشتر است و چرا؟

فرضیه‌های پژوهش:

۱- شهرآشوب خاستگاه ایرانی دارد.

۲- تحلیل و بررسی شهرآشوب‌ها از جنبه‌های زیباشناختی ادبی و جامعه‌شناختی، حایز اهمیت است.

۳- در میان سه نوع شهرآشوب صنفی، درباری و شهری تا دوران صفویه، شهرآشوب‌های صنفی به جهت این که بیشتر مورد توجه و استقبال شاعران فارسی زبان بوده اند از بسامد بالاتری برخوردار هستند.

اهداف و کاربردهای تحقیق:

در خصوص کاربرد این تحقیق و استفاده‌کنندگان از نتیجه‌ی آن باید گفت که اهم کاربردهای این پژوهش به شرح ذیل است: ۱- کمک به درک پیوندهای ادبیات فارسی و جامعه‌شناسی. ۲- شناخت عناصر زیبایی‌شناختی در شهرآشوب‌ها. ۳- آشنایی با اوضاع اجتماعی، تاریخی و حرفه‌ها و صنایع از میان شهرآشوب‌ها. استفاده‌کنندگان از نتیجه‌ی این تحقیق می‌توانند: مؤسسات

آموزشی، پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی نظیر: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، محققان تاریخ اجتماعی، حوزه‌های نقد ادبی و نهادهای فرهنگی باشند.

پیشینه‌ی تحقیق:

با بررسی‌های انجام شده و مطالعاتی که نگارنده در مورد موضوع حاضر داشته است، از جمله منابعی که در زمینه‌ی شهرآشوب، نوشته شده است کتاب شهرآشوب در شعر فارسی تألیف احمد گلچین معانی است که مؤلف در آن پنجاه شاعر و نویسنده‌ی شهرآشوب‌سرا را نام برده و به نمونه‌هایی از اشعار آن‌ها اشاره کرده است اما تاکنون پیرامون تحلیل زیباشناسانه‌ی این نوع شعر هم‌زمان با پژوهش جامعه‌شناختی تحقیق خاصی صورت نگرفته است که از ضروریات پژوهش‌های ادبی است.

روش و ابزار تحقیق:

روش و ابزار جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیقی این پژوهش، بر مبنای منابع کتاب‌خانه‌ای، الکترونیکی - کتاب‌ها و نشریات معتبر علمی - است که با کمک برگه‌ی تحقیق (فیش) و طی مراحل ذیل انجام گرفته است: ۱- گردآوری اطلاعات از طریق یادداشت‌برداری از فرهنگ‌نامه‌های گوناگون زبان فارسی. ۲- گردآوری اطلاعات از طریق یادداشت‌برداری از آثار ادبی مربوط و تألیفات معتبر محققانی چون: احمد گلچین معانی، محمدجعفر محجوب و منصور رستگار فسایی که درباره‌ی شهرآشوب پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. ۳- یادداشت‌برداری از شعرهای شهرآشوبی که در دیوان شاعرانی چون: فرخی، مسعود سعد، مهستی، سنایی، خاقانی و انوری وجود داشته است. ۴- بررسی، تجزیه و تحلیل نمونه شعرهای شهرآشوبی با روی‌کرد زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی آن‌ها. ۵- تنظیم و طبقه‌بندی یادداشت‌ها بر اساس پرسش‌های

تحقیق. شایان ذکر است که روش تجزیه و تحلیل این تحقیق، تحلیلی - توصیفی به شیوه‌ی تحلیل متن می‌باشد.

گزارش اجمالی رساله:

این رساله از پیش‌گفتار، چهار فصل و نتیجه تشکیل شده است. فصل اول که هفت گفتار دارد، شامل مباحث و توضیحاتی در مورد: تعریف لغوی شهرآشوب در فرهنگ‌نامه‌های فارسی و تعریف اصطلاحی شهرآشوب در آثار محققان این نوع شعر، انواع شهرآشوب، قالب‌های شهرآشوب، فواید شهرآشوب، خاستگاه شهرآشوب و پیشینه‌ی شهرآشوب در زبان‌های عربی، ترکی و اردو است و در پایان، تعریفی جامع از شهرآشوب از متن مباحث فوق ارائه گردیده است. فصل دوم که هفت گفتار دارد، به بررسی زیباشناختی و جامعه‌شناختی شهرآشوب‌های صنفی اختصاص دارد. در این فصل کلیه‌ی شهرآشوب‌های موجود تا عصر صفویه که در گروه شهرآشوب‌های صنفی جای می‌گیرند، بررسی، تجزیه و تحلیل شده‌اند. شهرآشوب‌های مسعود سعد سلمان، مهستی گنجه‌ای و پاره‌ای از شهرآشوب‌های سنایی در *کارنامه‌ی بلخ*، جزء این دسته از شهرآشوب‌ها هستند. در این بخش ابتدا مختصری از زندگی و شعر شاعران فوق آمده و پس از بررسی شهرآشوب هر شاعر، تحلیلی کلی از آن ارائه شده است و در پایان بسامد انواع شهرآشوب، در این بخش ذکر شده است.

فصل سوم که هشت گفتار دارد، به بررسی زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی شهرآشوب‌های شهری اختصاص یافته است؛ در این فصل نیز کلیه‌ی شهرآشوب‌های موجود تا عصر صفویه که در گروه شهرآشوب‌های شهری جای می‌گیرند بررسی، تجزیه و تحلیل شده‌اند. پاره‌ای از شهرآشوب‌های سنایی، شهرآشوب‌های خاقانی، فرخی و فتوحی، جزء این دسته از شهرآشوب‌ها هستند که ابتدا مختصری از زندگی و شعر شاعران مذکور آمده و پس از بررسی شهرآشوب هر شاعر، یک تحلیل کلی نیز از آن ارائه شده است.

فصل چهارم که چهار گفتار دارد به بررسی زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی شهرآشوب‌های درباری اختصاص یافته است؛ در این فصل شهرآشوب‌هایی از دیوان سنایی غزنوی که در گروه شهرآشوب‌های درباری جای می‌گیرند بررسی، تجزیه و تحلیل شده است و پس از بررسی شهرآشوب‌ها، تحلیلی جامعه‌شناختی از شهرآشوب‌های این شاعر ارائه شده است. شهرآشوب که خاستگاه ایرانی دارد، از میان انواع موجود فارسی آن بسامد شهرآشوب‌های صنفی - به جهت اینکه بیشتر مورد توجه شاعران فارسی زبان بوده است - بیش از دو نوع دیگر آن است و هر سه نوع آن مشتمل بر فواید بسیاری از حیث زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی هستند.

لازم به ذکر است که در کتاب‌های تذکره و آثار تألیف شده در زمینه‌ی شهرآشوب اسامی شاعران دیگری چون: حرفی اصفهانی، امیر خسرو دهلوی، سیفی بخارایی، کاظمی هروی، کمال-الدین کوتاه‌پای و ... به عنوان شاعرانی که تا دوره‌ی صفویه شهرآشوب سروده‌اند ذکر شده؛ اما از شاعران مذکور هیچ دیوانی در دست نیست و نمونه‌هایی را که گلچین معانی در کتاب شهرآشوب در شعر فارسی ذکر کرده‌اند، از روی نسخ خطی و میکروفیلم‌های موجود بوده است، حال آن‌که بررسی نسخ خطی، مورد انتظار این رساله نبوده و در دستور کار آن قرار نگرفته است؛ البته در کتاب‌خانه‌ی ملی کرمان، دیوان امیر خسرو دهلوی به تصحیح محمود درویش موجود است؛ لیکن در دیوان مذکور هیچ شهرآشوبی از وی موجود نیست. شایان ذکر است که در کتاب شهرآشوب در شعر فارسی در مورد شهرآشوب‌های وی چنین نقل شده است: «در حیدرآباد دکن مجموعه‌ی رباعیاتی به عنوان مثنوی شهرآشوب از امیر خسرو دهلوی به اهتمام محمد امین عباسی با چاپ سنگی، بدون تاریخ، نشر یافته است» (گلچین معانی، ۱۳۸۰: ۳۴).

رسم‌الخط این رساله بر اساس شیوه‌نامه‌ی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی مندرج در کتابچه‌ی دستور خط فارسی می‌باشد و رساله از حیث علائم سجاوندی تابع آیین‌نامه‌ی سازمان سمت مندرج در کتاب زبان و آیین نگارش فارسی، تألیف اسماعیل حاکمی و دیگران بوده است، هم‌چنین شیوه‌ی ارجاع این رساله، مطابق روش پیشنهادی کتاب آیین نگارش مقاله‌ی علمی - پژوهشی، تألیف محمود فتوحی است و در موارد مبهم نظر استاد محترم راهنما اعمال شده است.

در پایان پس از سپاس خاضعانه به درگاه قدس ربوبی سپاس و قدردانی ویژه از بزرگ استاد گرامیم سرکار خانم بتول مهدوی دارم که با تأمل و تحمل و بردباری و حلم و علم وافرش، در به انجام رسانیدن این رساله مرا یاری نمودند که اگر نبود هدایت و راهنمایی و بلاغت کلام و همّت ایشان هرگز موفق به انجام این رساله نمی‌شدم، به پاس زحمات دلسوزانه‌ی ایشان سر تعظیم و ادب فرود می‌آورم و از سویدای دل از درگاه ایزد منان خواستارم که ذکر خیرشان در خیل ادیبان جاوید بماند! حضور استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر محمد بهنام‌فر که با رهنمودها، مساعدت‌ها و مشاوره‌ی ارزنده‌ی خود بر غنای این پژوهش افزوده‌اند، خالصانه و صمیمانه مراتب سپاس خود را اعلام می‌نمایم؛ هم‌چنین سپاس‌دار استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند هستم که از خرمن علم آنان خوشه‌چینی کرده‌ام.

مصطفی شمس‌الدینی

زمستان ۱۳۹۰

فصل اول

کلیات

۱-۱. تعریف «شهر آشوب»:

۱-۱-۱. شهر آشوب در لغت:

شهر آشوب یکی از انواع شعر فارسی است و آن نظمی است که تعریف یا ذم اکثر مردم شهر در آن باشد، یا به هر نوع شعری که در توصیف پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرفت و صنعت ایشان سروده باشد اطلاق می‌شود و لو این که خود عنوان دیگری داشته باشد (دهخدا. «شهر آشوب»). مؤلف فرهنگ جامع فارسی نیز شهر آشوب را چنین تعریف کرده است: شهر آشوب - آن که در حسن و جمال آشوبنده‌ی شهر و فتنه‌ی دهر باشد. (پادشاه. «شهر آشوب»). مؤلف فرهنگ نامه‌ی شاعری نیز، در تعریف شهر آشوب اذعان داشته است که شهر آشوب ۱- نام نوعی شعر درباره‌ی پیشه‌وران است. ۲- آن چه موجب فتنه در شهر شود، فتنه‌گر (صدری افشار. «شهر آشوب»). هم چنین مؤلف فرهنگ سخن در تعریف شهر آشوب اذعان داشته است: شهر آشوب کسی است که در شهر ایجاد فتنه و آشوب کند و به مجاز بسیار زیبا و دل‌ربا (انوری. «شهر آشوب»).

مؤلف دایرةالمعارف مصاحب نیز در تعریف شهر آشوب بیان نموده است: شهر آشوب یا شهرانگیز ۱- شعری که در وصف اهل حرف و صنایع مختلف شهری سروده شده باشد [...] و در آن‌ها غالباً شاعر برای گیرایی و لطف بیشتر شعر، از صاحبان حرف با عنوان زیبا، دلبر، شوخ، مه‌رو و نظایر این عناوین یاد می‌کرده است؛ مانند این رباعی:

زیبابت کفش‌گر چو کفش آراید	هر لحظه لب لعل بر آن می‌ساید
کفشی که ز لعل شکرش آلاید	تاج سر خورشید فلک را شاید

(مهستی گنجوی)

۲- شعری که شاعر در هجو و نکوهش یا (گاه) ستایش شهری و اهل آن شهر سراید مانند این

رباعی:

گفتم ز صفاهان مدد جان خیزد لعلی است مروت که از آن کان خیزد
کی دانستم که مردمش کوراند با آن همه سرمه کز صفاهان خیزد
(مجیرالدین بیلقانی)

(مصاحب. «شهر آشوب»).

۱-۱-۲. شهر آشوب در اصطلاح ادبی:

یکی از انواع نادر شعر فارسی است که به نام‌های: شهرانگیز، عالم آشوب، دهر آشوب، جهان-آشوب و فلک آشوب نیز خوانده شده است و آن نظمی است که تعریف یا ذم اکثر مردم شهر در آن باشد؛ اما شهر آشوب یا شهرانگیز به هر نوع شعری که در توصیف پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرف و صنعت ایشان سروده شده باشد اطلاق می‌شود و لو این که خود عنوان دیگری داشته باشد، هم چنان که شهرانگیز سیفی بخاری موسوم به «صنایع البدایع» و شهر آشوب لسانی شیرازی عنوان «مجمع الاصناف» دارد و یوسف اصم استرآبادی شهر آشوب خود را صفات الاصناف نامیده است (گلچین معانی، ۱۳۸۰: ۳).

مؤلف کتاب سبک خراسانی در شعر فارسی در خصوص ترکیب کلمه‌ی شهر آشوب اذعان داشته است: «شهر آشوب ترکیبی وصفی است به معنی آشوب‌کننده‌ی شهر و این ترکیب به معنی معشوق در فرهنگ‌ها ثبت شده است» (محجوب، ۱۳۷۴: ۶۷۸). وی سپس در همین زمینه بیان داشته است: «طبیعی است که نخست شاعران این صفت (شهر آشوب) را برای توصیف معشوق خویش و بیان جلوه‌ی جمال وی، به شاهدان زیباروی داده و رفته‌رفته به قاعده‌ی نشستن صفت به جای موصوف، این ترکیب جنبه‌ی اسمی یافته و مترادف معشوق و شاهد و جوان زیبا شده است (همان: ۶۷۸). به هر حال آن چه معلوم است، این است که نخست، شاعران این ترکیب وصفی را برای توصیف معشوق و بیان جلوه و جمال وی به کار برده‌اند و رفته‌رفته شهر آشوب به صورت صفتی جانشین اسم، برای معشوق استعمال شده است و بعدها یکی از معانی شعری به

این عنوان نام گرفته است. نویسنده ی کتاب *ادبیات عامیانه ی ایران* اذعان داشته اند که در کتب ادب و بلاغت تا کنون از شهر آشوب تعریفی به دست داده نشده است در صورتی که در تمام آن ها کم و بیش می توانیم تعریف هایی برای غزل، قصیده و ... به دست آوریم (محبوب، ۱۳۷۴: ۱۱۶۴).

نویسنده ی کتاب *انواع شعر فارسی* در بحث انواع غنایی در شعر فارسی که زیرمجموعه ای از انواع معانی شعر فارسی است، شهر آشوب را از انواع شعر غنایی در ادب فارسی می داند (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۰).

در واقع می توان گفت که او از حیث موضوع، معنا و محتوا به انواع شعر نگریسته است؛ اما همان طور که در گذشته اشاره شد، شعر فارسی را معمولاً از حیث قالب شعری تقسیم بندی کرده اند چرا که «اهمیت قالب های: مثنوی، غزل، قصیده، رباعی و دیگر قالب شعر فارسی موجب شده است که معیار تقسیم انواع شعر، پیکر ظاهری باشد.» (دانش پژوه، ۱۳۸۰: ۳۱۵) و همین عدم تقسیم بندی مدون محتوای شعر باعث شده است که گاه توصیف هایی که درباره ی محتواهای انواعی از شعر صورت گرفته و صفتی که به آن اطلاق شده نامی برای یکی از انواع شعر گردد نام هایی چون: حبسیه، بهاریه و شهر آشوب؛ مثلاً شعر حبسیه را شاعرانی سروده اند که خود به بلای حبس، دچار شده اند و به همین دلیل است که نام حبسیه در شعر فارسی با مسعود سعد قرین شده است و پس از او خاقانی است که چند ماهی در زندان به سر برده و حبسیه ساخته است. «شهر آشوب» نیز از همین مقوله است، ترکیب شهر آشوب نخست دلبری را به خاطر می آورد که با زیبایی بی نظیر خویش، شهری را می آشوبد و همین معنا در کتب لغت و فرهنگ هایی چون: دهخدا، *آندراج*، *فرهنگ سخن*، *فرهنگ جامع فارسی*، *فرهنگ فارسی امروز* و *دائرةالمعارف مصاحب*، ذکر شده است و آنچه مربوط به اصطلاح شعری است معنای دوم است. در خصوص این که چرا این نوع از شعر را شهر آشوب نامیده اند، محمدجعفر محبوب که در پایان کتاب *سبک خراسانی در شعر فارسی* پس از ذکر سابقه ی شهر آشوب در شعر فارسی ضمن ذکر این مطلب که در هیچ یک از کتاب های ادب و بلاغت از شهر آشوب تعریفی ارائه نشده، می نویسد:

«از قدیم این رسم در میان شاعران فارسی و عربی زبان رایج بوده است که قطعاتی می سروده و در آن، اهل یک شهر یا بلد را ستایش یا نکوهش می کرده اند (محبوب، ۱۳۵۰: ۶۷۸) و در ادامه ی

مطلب به ذکر نمونه‌هایی از شهرآشوب های شهری پرداخته که قصه‌ی معروف انوری در مورد هجو شهر بلخ از آن جمله است؛ البته شاعری فتوحی نام قطعه‌ای در هجو شهر بلخ می‌سراید و آن را به انوری نسبت می‌دهد تا این‌که مردم بلخ انوری را دستگیر می‌کنند و وارونه بر خری می‌نشانند و آهنگ گردانیدن به گرد شهر می‌کنند تا این‌که قاضی حمیدالدین بلخی او را نجات می‌دهد.

در کنار شهرآشوب‌هایی که به مدح و ذم شهر یا اهالی شهر اختصاص دارد نوعی دیگر از شهرآشوب به صاحبان مشاغل و وضع و حال آنان و صنوف و حرفه‌های مختلف می‌پردازد و در هر قطعه‌ی شعری، نوعی شغل و حرفه توصیف می‌شود؛ البته اوصاف مردمان شهر در شهرآشوب، اوصافی شاعرانه و لطیف همراه با طنز و مزاح و گاه طعن و هجو است توصف کیفیت مشاغل و نحوه‌ی عمل آن‌ها همیشه واقعی نیست و گاه این وصف‌ها مبتنی بر تخیلات و تصورات شاعرانه است. میمنت میرصادقی نیز معتقد است که شهرآشوب را شاعران بیشتر از روی تفریح می‌سرودند و قصد آنان اغلب هجو یا مدح اهالی شهر، یا صاحبان پیشه‌ای خاص بوده که باعث برانگیختن احساسات مردم شهر بر ضد شاعر می‌شده است و همین امر وجه تسمیه‌ی این نوع شعر را توجیه می‌کند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

از آن‌چه که گفته شد، می‌توان شهرآشوب را در اصطلاح ادبی چنین تعریف کرد: شهرآشوب در اصطلاح ادبی به شعری گفته می‌شود که شاعر ضمن آن، اکثر مردم شهر یا اهل شهر یا درباریان شهر را مدح و ذم کرده باشد یا این‌که شاعر در آن به توصیف پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرف و صنعت ایشان پرداخته باشد.

۱ - ۲. انواع شهرآشوب:

شهرآشوب‌ها را می‌توان در سه دسته جای داد:

- ۱- شهری: در نکوهش یا ستایش مردم یک شهر. ۲- درباری: در وصف پادشاه، مطربان، خلوتیان و دیگر درباریان. ۳- صنفی: در وصف عاشقانه‌ی بازاریان، صنعت‌گران و به طور کلی مشاغل اجتماعی.